

## خاقانی

معینان فاضلی است شاعر و محقق کنجکاو و چون در اشعار خاقانی خصوصاً تبیی بلیغ کرده از ایشان درخواست شد مقالتی در این باب بنویسند اما چون برای هر نکته دلایلی از آیات و اشعار آورده بودند مقاله مفصل شده بود بناگزییر آن شواهد را حذف کردیم. محصلین علاقمند راست که خود دیوان خاقانی را مطالعه کنند و دلایل این تحقیقات را بچینند. مجله بنما.

رخسار صبح پرده زعمدا بر افکند

راز دل زمانه بصحرا بر افکند

این قصیده که در بحر مضارع مُشمن اُخرَب مکفوف معذوف است نماینده و نمودار کامل سبک و شیوهٔ خاقانی و از مُررر قصائد او و یکی از شاهکارهای جاویدان زبان و ادب فارسی است. خاقانی در این قصیده طولانی و زیبا قدرت طبع و وسعت خیال و قریحهٔ سرشار خویش را در بهترین اسلوب با نهایت استادی آشکار ساخته و در نمایاندن مضامین نو در کسوت ترکیبات بدیع، اقتداری عجیب نشان داده است.

تشبیهات تازه و استعارات جدید، که ظاهر آ قبل از وی هیچ سابقه نداشته - در این قصیده فراوان است مخصوصاً دقت و ریزه کاری او در وصف و بر شردن جزئیات یک چیز در لباس کنایه و استعاره کاملاً تازه کی دارد.

خاقانی در این قصیده و سایر قصایدی که نمودار و شاخص سبک و روش او است گاهی با تکلف بسیار با آوردن صنایع لفظی و ایجاد ترکیبات و اصطلاحات بدیع مقید میگردد و در غالب موارد از مضایق آن با استادی قابل تحسینی بیرون میاید و گاهی هم دچار پیچیدگی شده توسن فکرش از سرحد طبیعی بیرون میرود، در چنین موارد است که فهم و درک معانی اشعارش بسیار مشکل میشود و شعر صورت معما بخود میگیرد.

خاقانی در دوره ای میزیسته و زمانی بشعر گفتن زبان گشوده که، گذشته از تأثیر محیط و زبان و لهجه و اصطلاحات خاص شمال غربی ایران که موطن شاعر است، اصولاً سبک و شیوه شعر قدیم معروف سبک خراسانی یا ترکستانی در حال تحول و تغییر بوده و شعرای نامداری چون ابوالفرح رونی پیشرو انوری و سید حسن اشرف غزنوی که هم عصر او یا اندکی قبل از او میزیسته اند از پایه گذاران اصلی این تغییر سبک و تحول جدید بشمار می آیند و از طرف دیگر چون در این دوره شعر فارسی بتدریج از انحصار حوزه خراسان خارج شده و سرزمین عراق و صفحات غربی و شمال غربی ایران راه یافته بود در تحت تأثیر اوضاع و احوال مکانی و لغات و اصطلاحات محلی شکل و صورت خود را کم کم عوض کرد و سادگی و روانی و سلاست خود را تا حد زیادی از دست داد و در آن تحول محسوس بوجود آمد و سبک قدیم شکل و صورت تازه و نوی بخود گرفت که هم از لحاظ لفظ و هم از جهت

مضمون و معنی با اشعار دورهٔ پیش از خود فرقی عظیم داشت .  
 معروفترین شعرایی که در این دوره در سبک قدیم شعر فارسی تحول کلی ایجاد کردند و آنرا  
 در مجرای جدیدی انداختند عبارت بودند از: انوری و خاقانی و حکیم نظامی از یک جهت ، و جمال الدین  
 محمد بن عبدالرزاق اصفهانی و ظهیر الدین قاریابی از جهت دیگر .  
 خاقانی که بتصدیق استادان فن ادب که قولشان حجت است از سخنگویان قوی طبع و بلند  
 فکر و پرمایهٔ زبان فارسی و در مرتبهٔ نخستین از قصیده سرایان بزرگ قرن ششم قرار دارد خود بداشتن  
 سبک و شیوهٔ مخصوص در اشعار خویش اشاره میکند :

بترخیص گفتنی که خاقانیا	چه خوش داشت نظم روان عنصری
زدهٔ شیوهٔ کان حلیت شاعری است	بیک شیوه شد داستان عنصری
مرا شیوهٔ خاص و تازه است و داشت	همان شیوهٔ باستان عنصری
نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد	که حرفی ندانست از آن عنصری
ادیب و دبیر و مفسر نبود	نه سحبان یعرب زبان عنصری

و مراد شاعر از داشتن شیوهٔ خاص همان سبکی است که با مختصات جدید از حیث لفظ و مضمون  
 و معنی در این دوره متداول گشته و بعدها بنام سبک عراقی و آذربایجانی ممتاز شده است چه یکی از  
 خصائص بارز شعر در قرن ششم بعلت وسعت یافتن دائرهٔ علوم و اطلاعات اینست که شعراء و گویندگان  
 و نویسندگان اصطلاحات انواع علوم متداول عصر را که از آن بهرهٔ کافی داشتند وارد شعر خویش  
 میکردند، بمبارهٔ آخری چون گویندگان و نویسندگان ناگزیر بودند که علوم و ادبیات متداول زمان را  
 فرا بگیرند خواه ناخواه آثار فکری و دماغی آنها در نظم و نثر تراوش میکردند و از این اطلاعات  
 علمی و ادبی و تاریخی مضامین تازه ابداع میکردند لذا مشاهده میکنیم که شعراء این دوره با وجودیکه  
 اشعار بلند و پرمایه و محکم می سرایند معیناً استقامت ذوق و لطف و شیرینی بیان و سادگی و طراوت  
 اشعار دورهٔ قبل را از دست داده اند و بهمین علت است که شعر خاقانی با همه قدرت طبع و وسعت خیال  
 در اثر داشتن اطلاعات وسیع در علوم مذهبی و فلسفی و زبان عربی و اصطلاحات نجومی و ریاضی  
 چون شعر فرخی سیستانی روان و سلیس و لطیف از کار در نمی آید .

مختصات بارز سبک خاقانی را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد :

**ردیف** - اصولاً یکی از مشخصات سبک عراقی آوردن ردیف و التزام است ، ابوالفرج رومی  
 از اولین شعرائی است که ردیف اسمی را در شعر خود بکار برده است ولی خاقانی از جهت آوردن  
 ردیف آنهم ردیفهای مشکل و مرکب اسمی حتی جمله ای در مرتبه اول از شعرای این عهد قرار دارد  
 که در آن تکلف بسیار روا داشته است مخصوصاً در آوردن ردیفهای مشکل و طولانی اسمی و جمله ای  
 قدرت طبع عجیبی بخرج داده از این قبیل ، آئینه - صبحدم - صبحگاه - انگبخته - پرداخته - نخواستی  
 یافتن - افشاندند اند - بر نتابد پیش ازین - گذشتنی است و مانند اینها .

خاقانی در التزام این ردیفهای مشکل در فواصل بلند و طولانی که گاهی چند مرتبه مجبور  
 بتجدید مطلع شده تناسب معانی و پیوند آنرا با الفاظ تا حدی حفظ کرده و این خود دلیل روشنی  
 بر روانی طبع و وسعت خیال و قدرت خلاقهٔ او در لفظ و ترکیب است که از مشکلات و مضایق  
 این التزامات لفظی با مهارت و استادی خارج میشود . با وجود این چون در صدد است معانی نو  
 و مضامین تازه وارد شعر کند و این معانی و مضامین را با ردیفهای مشکل پیوند دهد مقداری از اشعارش  
 مغلق و پیچیده شده زیرا ترکیبات جدیدی که خود میسازد و مناسبات لفظی ای که میان کلمات مختلف

المضمون ایجاد میکند خواننده‌ای که بافکار و اصطلاحات خاقانی محیط نباشد از درک معنی و مفهوم آن عاجز میشود. گاهی هم در اثر آوردن ردیفهای مشکل پیونده معنای شعر از ردیف گسیخته است یعنی ارتباط معنی و مضمون شعر با ردیف درست در نمی‌آید و در چنین موارد است که اشعارش هم از حیث لفظ و هم از حیث معنی ناقص بنظر میرسد.

ولی باید تصدیق کرد که در برابر طبع بلند و سخن آفرین وی که آنهمه مضامین را با ترکیبات بدیع و ردیفهای مشکل جمله‌ای پیوند داده تا این درجه مساعده چندان مهم نیست.

**ترکیبیات** - خاقانی از لحاظ ایجاد ترکیبیات نو که تنها زائیده فکر او است میان شعراء ممتاز است و از این جهت باید او را خلاق لفظ و ترکیب بدیع شناخت که قدرت طبع خویش را در انتخاب الفاظ و تلفیق آن بعداً اعلی رسانده و توان گفت که بسیاری اطلاع شاعر و احاطه او بر لغات فارسی و عربی و اصطلاحات فلسفی و مذهبی و نجومی و دقت و موشکافی او سبب ایجاد این ترکیب شده و علت عمده پوشیدگی آراء و پیچیدگی افکار او بوجود آمدن همین ترکیب است. گذشته از این عوامل دیگری هم در ابداع این ترکیب دخالت تام دارند.

اولاً - وسعت خیال شاعر که مضامین و معانی تازه ابداع میکند و برای قالب این مضامین نیازمند لفظ و ترکیب تازه است و باید دانست که هر قدر دامنه خیال وسیع تر باشد ترکیب مشکل تر است.

ثانیاً - لهجه و اصطلاحات خاص آذربایجان غربی موطن شاعر که خیلی از لغات و کلمات و اصطلاحات در آن ناحیه وجود داشته که در سایر نقاط ایران نبوده و غالب این کلمات و اصطلاحات بصورت لغات جدید و ترکیب تازه وارد شعر خاقانی و دیگر شعراء آذربایجان چون نظامی شده و این امر باعث گردیده که ترکیب ایندسته از شعراء باسانی فهمیده نمیشود.

ثالثاً - شجاعت عجیبی است که خاقانی در ابداع ترکیب لفظی و تلفیق جمل برخلاف قواعد دستور زبان فارسی دارد و هر گونه ترکیب را با تعبیر جدیدی بکار می‌برد و لذا دستش برای هر نوع ترکیب و کیفیت تعبیر باز است.

ترکیبات: تیرباران سحر - کهن گرگ خشن بارانی - مریم صفا - روح القدس پیوند - عیسی زار - هفت گیسودار - شش خاتون - سلطان یک سواره گردون - پروین بار - رصد گاه خطر - شهر بند فلک - رخس جان - کاغذین جامه - بیمار کرده وحدت - خشک سال حوادث - نیل عدم - مصر بقا - یکران چرخ - خاتون کائنات - عقد عرومانه - ایمان که الست - پیرمائده افکن - خورشید کسری تاج - مریم کده - عیسی کده - و نظائر آن از ترکیب‌هایی است که خاقانی غالب آن‌ها را بصورت کنایه و استعاره بکار برده و هر گاه یکی از استادان فن ادب فارسی این ترکیب و اصطلاحات را از دیوانش بیرون بیاورد و موارد استعمالش را با کیفیت تعبیر بدستی بیان کند منتی بزرگ بر طالبان ادبیات فارسی پویزه بر عاشقان دیوان خاقانی خواهد نهاد.

**تشبیه و استعاره** - خاقانی در ایجاد تشبیهات نو و جدید که شعراء قبل از او بکار نبرده‌اند نیز قوی دست است و با قوه تخیل و قدرتی که در ترکیب الفاظ دارد از مضامین عادی تشبیهاتی نفوذ دلاویز ساخته که هیچگونه شباهتی با تشبیهات شعراء قرن پنجم و بیش از آن ندارد قعبده‌ای که در مدح شروان شاه اخستان ساخته بر است از اینگونه تشبیهات زیبا و بدیع. باین مطلع:

صبح خیزان بین قیامت در جهان انگبخته نعره‌اشان نفع صور از هر دهان انگبخته

برخی از تشبیهاتی را که شعراء سلف بکار برده‌اند خاقانی با وجه شبه تازه می‌آورد و در این قبیل موارد عموماً وجه شبه را ذکر میکند مانند تشبیه بجراغ از حیث دل سپاهی و امثال آن:

آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ  
 قوه تغیل و ابتکار خاقانی در صنعت استعاره بسیار وسیع و دامنه دار و گاهی رشته ارتباط میان ارکان استعاره از موی هم باریکتر است و بهمین علت غالب استعاره های او دور از ذهن و پیچیده مینماید و ازین جهت باحکیم نظامی شاعر داستان سرای ایران شباهت کامل دارد و اگر خواننده بمقدمات علوم ادبی و طرز تفکر و اصطلاحات شاعر آشنا نباشد و در آثار او زیاد مطالعه و ممارست نکند بمقصدش پی نمی برد .

در مورد کنایات هم گاهی یک موضوع یا افسانه مخصوص که چندان معروف نیست یا فقط در زادگاه او معروف بوده با اشاره و کنایه در اشعار خویش ذکر میکند که بموجب سرگشتگی خواننده میشود و باید دانست که بیشتر توصیفات خاقانی با کنایه ها و استعاره های بسیار زیبا و کم نظیر آمیخته است که قبل از او کمتر مورد استعمال داشته و توان گفت که در این قسمت در شعر فارسی طرحی نو افکنده و زبان فارسی را تا حد زیادی از حیث ترکیب استعاره غنی ساخته است .  
 این ابیات نمونه ای از استعاره های خاقانی است که غالباً تازگی دارد و در نهایت لطف و زیبایی است . ( از قصبه مورد بحث )

جینید شب مفرغه صبحدم کنون	ترسم که نقره خنک بیلا برافکنند
درده لاکاب می که شمعش عنان زنان	بر خنک صبح برقع رعنا برافکنند
گردون یهودیانه بگفت کبود خویش	آن زرد پاره بین که چه پیدا برافکنند
آن عده دایر بگر طلب کن که روح را	آبستنی بمریم عنرا برافکنند
هر هفت کرده پردگی رز بخر که آر	تا هفت برده خرد ما برافکنند

**وصف** - وصف در قصائد خاقانی انعکاس شعراء بزرگ قرن پنجم کم و محدود است با این وجود همانقدر که هست بسیار زیبا و دلکش است. موضوعات وصفی خاقانی عبارتست از وصف صبح و صبحی کشان و بزم باده گساران و بزمهای زمستانی و توصیف بهار و خزان و وصف بادیه و کعبه و مناسک حج که قسمتی از آن مخصوصاً وصف صبح و صبحی چند جا تکرار شده است . مهمترین مشخص وصف در دیوان خاقانی دقت در جزئیات موصوف است یعنی در موضوع وصف با نهایت دقت نظر مینماید و جزئیات آنرا با کمال استادی باقلم استعاره نقاشی میکند بطوریکه هیچ چیز از نظر موشکاف او محو نمیشود . ابیات زیر در وصف مجلس بزم زمستانی و در توصیف منقل است :

منقل بر آرز چون دل عاشق که حجره را	رنک سرشک عاشق شیدا برافکنند
سرد است سخت سنبله رز بخیر من آر	تا سستی بمقرب سرما برافکنند
بی صرفه در تنور کن آن زر صرف را	کو شعله ها بصرفه و عوا برافکنند
گونی که خرمگس پرداز خوان عنکبوت	بر بر سبز رنگ غبیرا برافکنند
ماند بکنکبوت سطرلاب آفتاب	زو ذره های لایتجزا برافکنند
از هر دریاچه شکل صلیبی چو رومیان	بر رنگ رنگ روی بجیرا برافکنند
نائلنده اسقی زبر بستر پلاس	رومی لعاف زرد بیهنا برافکنند
غوغای دیو و خیل یری چون بهم رسند	خیل یری شکست بغوغا برافکنند
مریخ بین که در زحل افتد پس از دهان	بروین صفت کواکب رخشا برافکنند
طاؤس بین که زاغ خورد وانگه از گلو	گاورس ریزه های منقا برافکنند

در این ده بیت منقل و زغال و آتش و چگونگی روشن شدن منقل را بتفصیل با تمام جزئیات

آن بیان کرده که در واقع باید گفت ( وصف تمام گفت ) است که خاقانی روی آنرا با پرده زیبایی از کنایات و استعارات دور از ذهن پوشیده است. پس از اینکه خواننده این پرده لطیف را پس زد و بمقصود استعاری شاعر واقف شد بزبانی وصف و چهره دستی وصف کننده آفرین میگوید - ایات زیر نمونه‌ای از وصف ساقی است از همان قصیده :

مجلس چو گرم گردد چون آه عاشقان	می راز عاشقان شکبیا برافکند
ساقی تدرو رنگ بطوق فب چو کبک	طوق دگر ز عنبر سارا برافکند
بردست آن تدرو چو پای کبوتران	می بین که رنگ عید چو زیبا برافکند
زان خاتم سهیل نشان بین که بر زمین	چشم نگین نگین چو نریا برافکند
چون آب پشت دست نباید نگین نگین	بس مهر جم بغاتم گویا برافکند

**آیات و احادیث** - یکی دیگر از مختصات سبک خاقانی تأثیر زیادی است که آیات قرآنی و احادیث نبوی در اشعار وی کرده و باید دانست که نویسندگان و گویندگان قرن ششم تحت تأثیر زبان و ادب عربی مطالب و مضامین خاص آن زبان و اشعار و امثال عرب و آیات و احادیث را بصورت‌های گوناگون در آثار خویش بکار برده و مخصوصاً از آیات قرآنی و احادیث نبوی بعنوان دلیل و شاهد مثال زیاد استفاده کرده اند .

خاقانی گذشته از پیروی از این اصل کلی چون مردی مذهبی و در مذهب خود نیز نسبتاً متعصب و مخالف فلسفه و علوم عقلی بوده و مطالعات زیادی هم در مذاهب اسلام و مسیح و یهود داشته قهرآ مطالب و موضوعات دینی در فکرش رسوخ کامل یافته و بصورت‌های مختلف در اشعارش تجلی کرده است ازین جهت در اشعار خاقانی آثار آیات و احادیث و مطالب مختلف دینی و داستانهای مذهبی فراوان است و این آثار بچند صورت در اشعار خاقانی دیده میشود . گاهی عین آیه را نقل میکند، و گاهی بصورت ترجمه فارسی درمیآورد، و در برخی موارد با اشاره و ذکر بعضی کلمات يك آیه یا جزئی از حدیث در اشعار خود بکار میبرد ، و در مواردی هم از آیه بشکل مضمون خاصی استفاده میکند .

علاوه بر آیات قرآنی و احادیث نبوی که در غالب قصائدش دیده میشود اصولاً چون خاقانی در ادیان و مذاهب ملل دیگر مطالعات زیادی کرده و هم چنین چون در تحت تأثیر مذهب مادرش که از عیسویان نسطوری بوده بآداب و عادات و سنن و اصطلاحات دین مسیح کاملاً و قوف یافته بالنتیجه از تمام این اطلاعات و اصطلاحات و مضامین تاریخی و مذهبی و افسانه‌ای در اشعار خویش استفاده نموده چنانکه در قصیده معروف :

فلک کجور تراست از خط ترسا      مرا دارد مسلسل راهب آسا

تمام اصطلاحات و آداب و رسوم و اصول مذهب مسیح را ذکر میکند و بیانی مذهب یهود و زردشت خود را آگاه نشان میدهد و نیز قصه عیسی و مریم و روح القدس و داستان یوسف و قصه موسی و افسانه اسکندر و آب حیوان از جمله مضامینی است که در دیوان خاقانی زیاد تکرار شده است .

در خاتمه مقال ناگفته نگذاریم که خاقانی با وجودیکه خود دارای سبک و شیوه مخصوص است چون شعرای بزرگ سبک خراسانی نظیر عنصری ورود کی نظر داشته و مخصوصاً مدتی مُقلد و پیرو حکیم بزرگ سنائی غزنوی بوده تحت تأثیر سبک خراسانی قرار گرفته و قصائدی هم در این سبک سروده که بخوبی از عهده آن برآمده ( از جمله مرثیه امام محمد یحیی مقتول ۵۰۹۴ هـ ) .

خلاصه ، خاقانی در ردیف سخن سرایانی است که به نیروی طبع و قریحه سرشار ، بر آوردن هر گونه معنی و بیان هر مضمونی را در هر سبک و اسلوب قادر و تواناست .